

بررسی رابطه بازده دارایی ها با ارزش افزوده اقتصادی در صنعت نساجی کشور

جلیل غایبی^۱، علی اکبر ارکان^۲

^۱ کارشناس ارشد حسابداری

^۲ کارشناس ارشد مدیریت اجرایی

چکیده

معیارهای سنتی ارزیابی عملکرد به دلیل در نظر نگرفتن هزینه سرمایه و نیز استفاده از اطلاعات حسابداری، در معرض انتقادات فراوانی می باشند. در طرف مقابل ارزش افزوده اقتصادی با لحاظ نمودن هزینه فرصت و سود اقتصادی، معیاری بهتری در ارزیابی ارزش ایجاد شده در شرکتها است. در این تحقیق ارتباط میان معیارهای فوق با ارزش افزوده اقتصادی در صنعت نساجی بررسی شده تا مشخص گردد که به چه میزانی معیارهای سنتی مورد اشاره منطبق با معیار ارزش افزوده اقتصادی می باشند و تا چه حد به بهبود ارزش افزوده اقتصادی ایجاد شده در بنگاه کمک می کنند. در این تحقیق تمام شرکت های نساجی که شامل ۲۰ شرکت است، برای یک دوره ۴ ساله ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ ارزیابی شده است. همچنین باتوجه به آنکه تحقیق فوق کل صنعت را مورد بررسی قرار می دهد و نیز به سبب آنکه ارزش افزوده اقتصادی یک معیار عینی می باشد، لذا از حاشیه ارزش افزوده اقتصادی در محاسبات استفاده شده است. یافته های تحقیق نشان می دهند که میان بازده دارایی ها با حاشیه ارزش افزوده اقتصادی در صنعت نساجی رابطه مستقیم برقرار است. همچنین جهت مشخص شدن ابعاد بیشتری از رابطه معیارهای سنتی مورد اشاره با معیار ارزش افزوده اقتصادی، ارتباط بازده دارایی ها نیز با نسبت سود عملیاتی پس از کسر مالیات به مبلغ هزینه سرمایه نیز بررسی گردید.

واژه های کلیدی: سود عملیاتی پس از کسر مالیات، ارزش افزوده اقتصادی، حاشیه ارزش افزوده اقتصادی، سرمایه بکارگرفته شده، میانگین موزون هزینه سرمایه، بازده دارایی ها

مقدمه

به طور کلی شاخص های میزان کل حق نساجی دریافتی، ضریب نفوذ نساجی، حق نساجی سرانه، درصد سرمایه گذاری به کل دارایی ها از عوامل مهم ارزیابی عملکرد شرکتهای نساجی می باشند. شاخص های فوق عملکرد شرکتهای نساجی را از جنبه فعالیتهای عملیاتی و فعالیتهای سرمایه گذاری (سود خالص به دارایی ها) به صورت مجزا مورد ارزیابی قرار می دهند. این در حالی است که فعالیتهای شرکتهای نساجی از دو بخش فعالیتهای عملیاتی و فعالیتهای سرمایه گذاری تشکیل شده اند و ارزش شرکتهای نساجی در نتیجه برآیند فعالیتهای فوق حاصل می شود. برای بررسی جامع تر و کاملتر عملکرد و سودآوری شرکتهای نساجی، می توان ازمعیارهای سنتی ارزیابی عملکرد مانند بازده دارایی ها نیز استفاده نمود. اما نکته ای که در این ارتباط وجود دارد آن است که معیار های فوق در عین مفید بودن و سادگی در استفاده انتقادات جدی را نیز متوجه خود نموده اند که از آن جمله می توان به لحاظ نمودن هزینه فرصت سرمایه گذاری اشاره نمود.

دیگر معیار ارزیابی عملکرد که در مقایسه با سایر معیارها از مطلوبیت بیشتری برخوردار است، ارزش افزوده اقتصادی است. ارزش افزوده اقتصادی معیاری است که هزینه فرصت همه منابع بکار گرفته شده را از سود خالص عملیاتی کسری نماید. به عبارتی دیگر ارزش افزوده اقتصادی مثبت نشان دهنده تخصیص بهینه منابع و ارزش آفرینی برای سهامداران و بالعکس، ارزش افزوده اقتصادی منفی نشان دهنده اتلاف منابع و از بین رفتن ثروت سهامداران است [۱]

باتوجه به این امر که هدف اصلی مدیران بنگاههای تجاری تداوم بقاء بنگاه و افزایش ثروت مالکان می باشد، ارزش افزوده اقتصادی می تواند معیار خوبی برای ارزیابی عملکرد مدیران بنگاههای تجاری قلمداد گردد.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

بازده داراییها

بازده دارایی ها نشان دهنده توانایی مدیریت در استفاده کارا از دارایی ها می باشد و بیشتر بر بروی بازدهی بخش عملیات متمرکز است. این معیار در کنار معیار نسبت بدهی ها (میزان استفاده بنگاه از اهرم های مالی) نظام دوپانت را تشکیل می دهند. اگر داراییهای اضافی در عملیات به کار گرفته شوند مانند این است که هزینه های عملیاتی افزایش یافته اند. یکی از

مزایای مهم فرمول نرخ بازده دارایی ها این است که مدیران را به کنترل دارایی های عملیاتی وادار می سازد و همواره با کنترل هزینه ها، نرخ سود خالص و حجم فروش، به کنترل دارایی های عملیاتی نیز می پردازند. نسبت بازده دارایی ها حاصل تقسیم سود خالص به کل دارایی های است [۲] رابطه محاسباتی بازده دارایی ها بصورت زیر می باشد.

بازده سرمایه گذاری ها = دارایی ها / سود خالص

محدودیت وارد بر بازده دارایی ها

- محدود کردن دیدگاه آتی شرکت و عدم بررسی عواقب و اثرات آتی تصمیمات مدیریت.
- علیرغم کاهش کوتاه مدت، این نرخ ممکن است منجر به اثرات مطلوب بلندمدت شود و برعکس.
- اثر عوامل خارجی غیر قابل کنترل مدیریت مانند شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... که بر نرخ بازده دارایی ها اثر می گذارند یکی دیگر از عیوب نرخ بازده دارایی ها می باشد.
- عدم لحاظ نمودن دیدگاه مخاطره ای مدیریت در محاسبه این نرخ ممکن است در آینده لطماتی به شرکت وارد نماید
- نرخ بازده دارایی ها بیشتر بر عملکرد کوتاه مدت مدیران تکیه دارند.

ارزش افزوده اقتصادی

ارزش افزوده اقتصادی معیاری است برای اندازه گیری مازاد ارزش ایجاد شده بوسیله یک سرمایه گذاری یا پرتفویی از سرمایه گذاری ها [۳] معیار فوق بر اساس مازاد بازدهی که توسط سرمایه گذاری ها ایجاد شده استوار است و به صورت زیر محاسبه می شود.

سرمایه بکارگرفته شده * (هزینه سرمایه - بازده سرمایه بکارگرفته شده) = ارزش افزوده اقتصادی
(سرمایه بکار گرفته شده * نرخ هزینه سرمایه) - درآمد عملیاتی پس از مالیات = ارزش افزوده اقتصادی

داموداران پیشنهاد میکنند که در ارزیابی سرمایه بکارگرفته شده بجای ارزش دفتری باید از ارزش بازار دارایی ها استفاده شود . برای محاسبه و ارزیابی بازده سرمایه به کار رفته شده ما نیازمند محاسبه درآمد عملیاتی پس از مالیات می باشیم. هزینه سرمایه نیز می بایست، بر اساس هزینه ای که جهت تحصیل بدهی ها و سرمایه وجود دارد محاسبه گردد.

در سالهای دهه ۹۰ جواسترن و بنت استوارت مالکین شرکت بنت استوارت ارزش افزوده اقتصادی را معرفی نمودند. استوارت در فرآیند اعمال نمودن محاسبات خود به شرکت تهای واقعی دریافت که تعدیلات حسابداری در آمد و سرمایه منجر به برآوردهای بهتری از ارزش اضافی می گردند. استوارت در کتاب خود تحت عنوان در جستجوی ارزش تعدیلاتی که باید برای محاسبه ارزش افزوده اقتصادی اعمال شوند را توضیح می دهد، که از آن جمله می توان به تعدیلات لازم برای سرقفلی اشاره نمود [۴] بر خلاف معیار های ارزیابی عملکرد، ارزش افزوده اقتصادی به سود اقتصادی توجه می نماید، زیرا که با افزایش ثروت سهامداران ارتباط مستقیمی دارد. شرکتهای بزرگی مانند کوکاکولا از این شاخص برای راهنمایی جهت افزایش ثروت سهامداران بهره می جویند. همچنین برنامه های تشویقی و پاداش در این شرکت ها نیز بر مبنای توانایی مدیریت در افزایش بیشتر ارزش افزوده اقتصادی می باشد. آلفرد مارشال سود را از دیدگاه صاحبان مشاغل این گونه تعریف می نماید [۵] آن چیزی که از سود پس از کسر بهره سرمایه با نرخ های بهره رایج باقی می ماند. براساس جمله مارشال مشخص است که اقتصاددان ها تعریف سود را براساس سود باقی مانده و یا سود اقتصادی می دانند. که این با محاسبات حسابداری از سود متفاوت می باشد، این امر نکته اساسی تفاوت میان سود اقتصادی و سود حسابداری است.

مزایای ارزش افزوده اقتصادی

از جمله مهمترین مزایایی که برای ارزش افزوده اقتصادی می توان برشمرد در اینجا به موارد زیر اشاره می شود [۵]

۱. ارزش افزوده اقتصادی رابطه نزدیکی با خالص ارزش فعلی دارد.
۲. مدیران شرکت را نسبت به معیاری که بیشتر تحت کنترل آنها می باشد پاسخ گومی کند.
۳. از طریق تصمیماتی که مدیران شرکت ها اتخاذ می کنند، تأثیر می پذیرد.
۴. معیار مناسبی جهت پاداش مدیران می باشد.
۵. ارزش افزوده اقتصادی با ارزش بازار شرکت در ارتباط می باشد.
۶. به عنوان یک معیار عملکرد اقتصادی با معیار های دیگری همچون ارزش افزوده نقدی سرمایه گذاری، ارزش افزوده سهامداران و بازده جریان نقدی سرمایه گذاری سازگار می باشد.

۷. ارزش افزوده اقتصادی به عنوان معیار داخلی سنجش عملکرد موفقیت شرکت، میزان افزایش ارزش در سرمایه گذاری سهامداران را به بهترین نحو نشان می دهد.

۸. ارزش افزوده اقتصادی نشان می دهد که ارزش شرکت بطور مستقیم به عملکرد مدیریت بستگی دارد.

۹. ارزش افزوده اقتصادی می تواند مبنایی برای تعیین اهداف سرمایه گذاری در پروژه ها قرار بگیرد.

۱۰. ارزش افزوده اقتصادی به عنوان معیار اندازه گیری عملکرد کمتر در معرض تحریف های حسابداری قرار دارد.

تعدیلات حسابداری ارزش افزوده اقتصادی

تعدیلات مربوط به سود عملیاتی پس از کسر مالیات شامل تعدیلات حسابداری در سیستم بهای تمام شده، هزینه دارایی های اجاره ای و غیره است. این تعدیلات عمدتاً جهت تبدیل حسابداری نقدی به تعهدی و نیز محاسبه سود عملیاتی بر مبنای حسابداری نقدی می باشند. همچنین تعدیلات فوق قصد دارند تا تأثیرات تصمیمات تأمین مالی و هزینه های تأمین مالی را نیز بر طرف نمایند. با توجه به دو مفهوم فوق و استانداردهایی که در ادامه مطرح خواهند شد، مصادیق تعدیلات مورد نیاز در شرکت های نساجی بیان خواهند شد. به عنوان مثال در بحث ذخایر علاوه بر ذخیره های پایان خدمات و کاهش ارزش سرمایه گذاری ها، سایر ذخایر معمول در شرکت های نساجی نیز باید در نظر گرفته شوند.

سود عملیاتی پس از کسر مالیات می باید منعکس کننده مالیات عملیات نقدی، بدون در نظر گرفتن صرفه جویی مالیاتی مربوط به اهرم ها و وام باشد و مانند شرکت بدون بدهی (بدون اهرم) محاسبه گردد. زیرا که عملاً هزینه های مالی و معافیت های مربوط به آن در محاسبه هزینه سرمایه در نظر گرفته شده اند. استوارت یک سری از تعدیلات حسابداری پذیرفته شده را برای برآورد خالص سود عملیاتی پس از کسر مالیات و سرمایه بکار گرفته شده، ارائه نموده است. بر این اساس، می توان با دورویکرد "پائین به بالا" و "بالا به پائین" خالص سود عملیاتی پس از مالیات را محاسبه نمود و با استفاده از دورویکرد "دارائی محور" و "سرمایه محور" سرمایه بکار گرفته شده را نیز برآورد نمود.

خالص سود عملیاتی پس از کسر مالیات در ارزش افزوده اقتصادی

در رویکرد پائین به بالا بمنظور برآورد سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات بهره پرداختی، افزایش در هزینه ذخایر و استهلاک دارایی ها، هزینه ذخایر بدهی ها و هزینه های تحقیق و توسعه به سود خالص قبل از مالیات افزوده می شوند. به این ترتیب سود

عملیاتی تعدیل شده قبل از مالیات محاسبه می گردد که پس از کسر نمودن مالیات عملیات نقدی، خالص سود عملیاتی پس از کسر مالیات بدست می آید. همانطور که ملاحظه می شود، در روش محاسبه پائین به بالا تمامی اقلام سود و زیان مربوط به عملیات حسابداری تعهدی از سود و زیان کسر شده و سپس مالیات عملیات نقدی لحاظ می گردد. در محاسبه مالیات عملیات نقدی صرفه جویی های مالیاتی ناشی از هزینه های حسابداری تعهدی مانند هزینه ذخایر و استهلاک منظور نمی گردند اما در روش بالا به پائین فرآیند محاسبات به گونه ای دیگر و با نتایجی یکسان می باشد. در این روش کار با فروش (درآمد حاصل از خدمات) آغاز شده و پس از کسر نمودن هزینه های عملیاتی مانند بهای تمام شده کالای فروش رفته (خدمات) و هزینه های اداری و فروش، سود عملیاتی قبل از کسر مالیات محاسبه می گردد و سپس با کسر مالیات عملیات نقدی، سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات محاسبه می شود. لازم به توضیح است که در بخش محاسبه بهای تمام شده کالای فروش رفته هزینه ذخیره استهلاک دارایی ها ملحوظ نمی گردد [۶]

سرمایه بکارگرفته شده

برای محاسبات مربوط به سرمایه بکارگرفته شده دو رویکرد جداگانه وجود دارد. در رویکرد دارایی محور محاسبات با دارایی های کوتاه مدت یا خالص سرمایه در گردش آغاز می شود. این وجوه عمدتاً دارایی های جاری را شامل می شوند که بدهی های جاری از آنها کسر شده اند. سپس دارایی های بلند مدت به خالص دارایی های کوتاه مدت اضافه می گردند و در نهایت ذخایر استهلاک، ذخایر دارایی ها اضافه و سهام ممتاز و حقوق اقلیت نیز کسر می شوند [۶]

در طرف مقابل در رویکرد سرمایه محور، محاسبات با ارزش افزوده دفتری سهام عادی آغاز می شوند و پس از کسر نمودن سهام ممتاز و سهم اقلیت خالص بدهی ها اضافه می گردد. لازم به توضیح است که خالص بدهی های حاصل کسر نمودن بدهی های کوتاه مدت از بدهی های بلند مدت هستند. در انتها نیز ذخایر سرمایه ای و سایر ذخایر موجود در بدهی ها کسر می شوند [۶]

روش تحقیق

روش تحقیق بررسی رابطه و همبستگی بین متغیر ها از طریق ضریب همبستگی و رگرسیون بوده و روش شناسی تحقیق از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می باشد.

فرضیه تحقیق

فرض اول: بین بازده دارایی ها و ارزش افزوده اقتصادی در صنعت نساجی رابطه وجود دارد.

جامعه آماری و نمونه گیری

در این تحقیق با توجه به محدود بودن تعداد شرکتهای نساجی کشور، نمونه تحقیق در برگیرنده کل جامعه آماری یعنی کلیه شرکتهای نساجی و صورتهای مالی آنها که حاوی اطلاعات لازم برای محاسبه متغیرهای تحقیق، است. لذا تحقیق فوق از نوع کل شمار می باشد.

مدل های مورد استفاده در تحقیق

بازده سرمایه گذاری ها = دارایی/سود خالص

نرخ بازده سرمایه بکار گرفته شده = سرمایه بکار گرفته شده / ارزش افزوده اقتصادی

هزینه سرمایه بدهی ها بر اساس رابطه $K_d = K_m (1 - T)$

هزینه بدهی پس از کسر مالیات K_d

هزینه موثر بدهی قبل از کسر مالیات بر مبنای نرخ سالیانه K_m

نرخ مالیات T

مدل های مورد استفاده جهت محاسبه سود عملیاتی و سرمایه بکار گرفته شده نیز به شرح جداول ۱ و ۲ می باشند

جدول ۱. محاسبه سود عملیاتی پس از کسر مالیات در شرکتهای تولیدی (رویکرد پائین به بالا)

شرکتهای تولیدی	
مالیات	سود خالص
هزینه های تأمین مالی (هزینه بهره)	
درآمد (هزینه های غیر عملیاتی)	کسر (اضافه) می شود
سود عملیاتی قبل از بهره و مالیات (تعدیل نشده)	

هزینه ذخیره بازخرید کارکنان و سایر ذخایر مربوطه	بابت تعدیلات افزایش (کاهش) در موارد فوق اضافه (کسر) می شود
هزینه ذخیره مالیات	
هزینه ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	
هزینه ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاری ها	
هزینه ذخیره موجودی کالا	
هزینه ذخیره بابت تغییر رویه حسابداری بهای تمام شده	
هزینه ذخیره بابت تغییر رویه حسابداری بهای تمام شده	
هزینه سایر ذخایر	
مانده معادل های سرمایه ای	
سود عملیاتی تعدیل شده قبل از مالیات	
مالیات عملیات نقدی*	کسر می شود
سود عملیاتی پس از کسر مالیات	

جدول ۲. محاسبه سرمایه بکار گرفته شده در شرکتهای نساجی و شرکتهای تولیدی (رویکرد دارایی محور)

شرکتهای تولیدی	
دارایی های جاری	
بدهی های جاری بدون بهره	کسر می شود:
خالص دارایی های عملیاتی کوتاه مدت*	
خالص دارایی های بلند مدت	اضافه می شود:
دارایی های عملیاتی تعدیل نشده	
ذخیره بازخرید کارکنان و سایر ذخایر مربوطه	اضافه می شود:
ذخیره مالیات	
ذخایر استهلاک دارایی ها	

سایر ذخایر	(اصلاح ترازنامه از بابت ذخایر)
دارایی های عملیاتی تعدیل نشده پس از اصلاحات ترازنامه	
ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاری ها	کسر می شود: (بابت تعدیلات)
ذخیره موجودی کالا	
ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	
ذخیره بازخرید کارکنان و سایر ذخایر مربوطه	
ذخیره مالیات	
ذخیره استهلاک دارایی ها	
سایر ذخایر	
مانده معادل های سرمایه ای	
دارایی های عملیاتی تعدیل شد	

در ارتباط با جدول فوق این نکته لازم به توضیح است که، ذخایر نساجی ای درشرکتهای نساجی در بخش بدهی ها آورده می شوند. لذا به منظور محاسبه ترازنامه اصلاح شده، در ابتدا ذخایر به سمت چپ ترازنامه منتقل می شوند و سپس تعدیلات مربوط به ارزش افزوده اقتصادی اعمال می گردند.

نتیجه گیری

قبل از بحث پیرامون نتایج حاصل از تحقیق و رد و تأیید فرضیات تحقیق دراینجا ابتدا خلاصه نتایج حاصل از ضرایب همبستگی و رگرسیون آورده می شود و سپس فرضیات تحقیق بحث و بررسی می گردند. نتایج حاصل از ضرایب همبستگی به شرح زیر می باشند:

جدول ۳. ضرایب همبستگی میان بازده دارایی ها با حاشیه ارزش افزوده اقتصادی

	RROC	ROI
RROC Pearson Correlation	۱	.۵۱۹
Sig. (۲-tailed)	۰	.۰۰۰
N	۶۹	۶۹

ROI	Pearson Correlation	.۵۱۹	۱
Sig. (۲-tailed)		.۰۰۰	۰
N		۶۹	۶۹

نتایج حاصل از رگرسیون های گرفته شده نیز به شرح جدول زیر است:

جدول ۴ معنی داری ضرائب رگرسیون بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی ها

R		معادله	رگرسیون
۲			
۰	معنی داری سطح ۵٪	$RROC = ۱,۸۸۴ \times ROI +$	ROI-RROC
۰,۵۷			
۰		$NOPAT/NI \times COC =$ $۳۴,۹۰۴ \times ROI +$	ROI- NOPAT/NI×COC
۰,۴۶			

با توجه به جدول ۴، به این نکته می توان اشاره نمود که بازده دارایی ها، حاشیه ارزش افزوده اقتصادی را بهتر پیش بینی می نماید. همچنین این قضیه در مورد " سود عملیاتی پس از کسر مالیات به مبلغ هزینه سرمایه " نیز صادق است.

علیرغم وجود رابطه مثبت و معنی دار میان متغیرهای مستقل و وابسته در جدول ۴، متغیرهای مداخله گری نیز اثرگذار بوده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱. اعمال تعدیلات صورت گرفته بر روی سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات با توجه به آنکه ذخایر و مخصوصاً ذخایر نساجی ای تأثیر بسازایی در صورت سود و زیان شرکتهای نساجی دارند و از زمره تعدیلات لازم برای محاسبه سود عملیاتی پس مالیات نیز می باشند، تعدیل اثرات آنها در صورت سود و زیان منجر به تفاوت فاحشی در سود عملیاتی پس از کسر مالیات تعدیل شده نسبت به سود عملیاتی قبل از کسر مالیات خواهد داشت. بطوریکه درصد تعدیلات اعمال شده نسبت به سود قبل از کسر مالیات در شرکتهای مورد بررسی بوده است (مجموع تعدیلات به مجموع سود قبل از کسر مالیات شرکتهای بررسی شده)

۲. عامل دیگری که وجود ارتباط میان بازده دارایی ها و حاشیه ارزش افزوده اقتصادی را متأثر می نماید، تعدیلات سرمایه بکارگرفته شده می باشد. این تعدیلات عموماً مربوط به ذخایر نساجی ای و ذخایر کاهش ارزش سرمایه گذار یها هستند.

پیشنهادهات

با توجه به نتیجه گیری های صورت گرفته در قسمت قبل پیشنهادهات زیر ارائه می گردد.

۱. پیشنهادهات به مدیران شرکتهای نساجی و استفاده کنندگان از شاخص های ارزیابی عملکردی مانند بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی ها و ارزش افزوده اقتصادی:

علیرغم مفید بود معیارهای بازده دارایی ها اما به سبب لحاظ نشدن هزینه فرصت در معیارهای فوق، استفاده از معیار ارزش افزوده اقتصادی در کنار این معیارها مفید فایده می باشد. با توجه به نتایج تحقیق فوق افزایش در بازده دارایی ها، باعث افزایش در حاشیه ارزش افزوده اقتصادی خواهد شد. که در نهایت ارزش شرکت را افزایش خواهد داد. اما باید توجه نمود که به موازات پیچیده تر شدن ساختار مالی شرکتهای نساجی و پر رنگتر شدن تأثیر هزینه های سرمایه و نیز تعدیلات مربوط به ارزش افزوده اقتصادی، این ارتباط نیز دچار دگرگونی ها و تغییراتی خواهد شد.

پیشنهادهات برای تحقیقات آتی

۱. در تحقیقات پیرامون ارزش افزوده اقتصادی مخصوصاً در مواقعی که شرکتهای متفاوتی مورد بررسی قرار می گیرند از مشتقات نسبی ارزش افزوده اقتصادی مانند حاشیه ارزش افزوده اقتصادی استفاده شود تا اثر متغیر مداخله گر اندازه شرکت کاهش یابد.
۲. تحقیقاتی در زمینه سایر معیار های ارزیابی عملکرد سنتی و مدرن در صنعت نساجی صورت پذیرد مانند معیارهای جریان نقدی آزاد، ارزش افزوده بازار و بازده جریان نقدی به سرمایه گذاری
۳. همچنین پیشنهاد می شود تا تحقیقات بیشتری در خصوص ارتباط میان شاخص های مورد بحث در این تحقیق با معیارهای جریان نقدی و نیز بازدهی جریان نقدی انجام شود تا از وجوه دیگری نیز بحث سودآوری و ارزش آفرینی در شرکتهای نساجی مورد بررسی قرار گیرد.
۴. تحقیقاتی در مورد رابطه میان سایر معیارهای مشتق شده از ارزش افزوده اقتصادی و ایجاد ارزش در شرکت ها و مخصوصاً شرکتهای نساجی، به عمل آید.

منابع

۱. جهانخانی، ع، و ظریف فردا، (۱۳۷۵). شیوه های مالی هدایت دیدگاه ها و عملکرد. مدیران در جهت افزایش ثروت سهامداران، تحقیقات مالی، شماره ۱۱
۲. پینوو، ریموند (۱۳۸۶). مدیریت مالی جلد اول و دوم (علی جهان خانی و علی، پارسائیان)، چاپ نهم، تهران: انتشارات

سمت

۳. Damodaran, Aswath. (۲۰۰۲). Investment Valuation. McGraw-Hill
۴. Stewart G. Bennett, Stewart Stern. "Closing the Gap in GAAP: Fix Accounting by Reporting Economic Profit", ۲۰۰۴.
۳. جلیلی. محمد (۱۳۸۷). مبانی علمی و روشهای نوین محاسبه ارزش افزوده اقتصادی و کاربرد آن برای ارزیابی عملکرد مالی و مدیریت سرمایه در بورس اوراق بهادار فصلنامه بصیرت. سال پانزدهم. شماره ۴۱ صفحات ۳۱ الی ۵۱
۶. Grant, James. (۲۰۰۳). Foundations of Economic Value Added, Wiley